

چای قند پهلو*

(جستاری بر قهوه‌خانه در ایران)

مصطفی خلعت‌بری لیماکی**

khalatbari@radioresearch.ir

مقدمه

واژه «قهوه‌خانه» امروزه به کلیه چایخانه‌ها اطلاق می‌شود. اینکه چرا چایخانه‌ها به قهوه‌خانه معروف شده‌اند، داستان مفصلی دارد. خلاصه مطلب اینکه از ابتدای پیدایش قهوه‌خانه در ایران که به دوره صفویه می‌رسد، در این نوع مکان‌ها «قهوه» به فروش می‌رفت، اما کم کم چای و قلیان جای قهوه را گرفت و باب شد. بنا به گزارش مورخان و سیاحان اروپایی اولین قهوه‌خانه ایران در اصفهان دایر شد. تشریفات و تشکیلات قهوه‌خانه و قهوه‌خانه داری از دوره صفویه و از اصفهان به سایر شهرهای ایران از جمله تهران رسید. چنانچه تا چندی بعد از برچیده شدن قهوه‌خانه‌های بزرگ تهران، هنوز تعداد زیادی از آنها در اصفهان وجود داشت. چیزی که هست امروزه در هیچ قهوه‌خانه‌ای «قهوه» به مشتری داده نمی‌شود و چای و قلیان



* چای قند پهلو: در دوره قاجاریه رسم بر آن بود که قند چای قند پهلو را اول در چای زده بعد در دهان می‌گذاشتند. امروزه نیز برخی چنین عادتی دارند. در فلسفه این کار می‌گویند که در دوره مشروطیت چون به وسیله عوامل انگلیسی‌ها خرید و فروش قند روسی تحریم و نجس خوانده شده بود، عامل دیگری که از طرفداران روسها و محمد علی‌شاه بود برای تطهیر قند روسی فتوایی صادر می‌کند که قند را قبل از دهان گذاشتن در چای فرو برده، آب بکشند!! رک جعفر شهری، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، مجلد چهارم، تهران: رسا، ۱۳۶۹، پاورقی ص ۴۹۵.

** نویسنده و پژوهشگر فرهنگ‌عامه

جای آن را گرفته است و قهوه در تریاها و کافه‌ها فروخته می‌شود. در این گفتار مختصری از سرگذشت قهوه‌خانه در گذشته و حال را بررسی می‌کنیم.

تاریخچه و کارکرد قهوه‌خانه‌ها



در دوره صفویه در ایران قهوه‌خانه و محلی که بتوان در آنجا صرف قهوه و قلیان نمود رواج یافت. ولی بعد از این دوره زمان فترت آغاز گردید تا اینکه رسید به زمان قاجاریه که عصر رونق قهوه‌خانه‌ها و رواج نوشیدن چای و قهوه، بویژه کشیدن قلیان و چُپق می‌باشد. در این دوره شاهنامه‌خوانی، اسکندرنامه‌خوانی و شرح جنگ‌های مولای متقیان علی (ع) و در برخی موارد مداحی و نقالی در قهوه‌خانه‌ها رواج یافت و مرشدهای فراوانی در این کارها شهرت پیدا کردند.

قهوه‌خانه‌ها در تهران شکل خاصی داشتند، هر قهوه‌خانه فضایی نسبتاً وسیع داشت که دورتادور آن را با سنگ و آجر به صورت سکو در می‌آوردند و مردم روی این سکوها می‌نشستند و به نوشیدن چای، قهوه و کشیدن قلیان و چپق مشغول می‌شدند. (نجمی، ۱۳۵۰: ۹۰-۱۸۹) آدم اولتاریوس سیاح عصر صفوی می‌نویسد: «در زمان شاه صفی، گذشته از قهوه‌خانه در اصفهان مراکزی نیز برای نوشیدن چای بوده است که آنها را چایخانه یا چای‌ختائی‌خانه می‌گفته‌اند. چایخانه برخلاف شیره‌خانه که مرکز کارهای ناپسند است، مردم در آنجا ضمن نوشیدن چای به بازی شطرنج می‌پردازند». (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۳۵۳)

قهوه‌خانه در ایران از قدیم مکانی برای گذران اوقات فراغت مردان و یک مرکز مهم ارتباط جمعی و رسانه‌ای بوده است. نقشی را که قهوه‌خانه در طول زمان در اشاعه خبر و برخی آداب و میراث فرهنگی ما بر عهده داشته، نمی‌توان نادیده گرفت. مرد ایرانی در چند قرن که از پیدایی قهوه‌خانه در ایران

قهوه‌خانه در ایران از قدیم مکانی برای گذران اوقات فراغت مردان و یک مرکز مهم ارتباط جمعی و رسانه‌ای بوده است

می‌گذرد، ساعاتی از روز و شب خویش را در قهوه‌خانه گذرانده، با یاران و کسان خویش به گفتگو نشسته، مشکلات کسب و کار خود را با آنان در میان گذارده، گاهی همانجا به داد و ستد و حل و فصل امور پرداخته و مهمتر آنکه اغلب در این مکان از وقایع شهر و دیار



خویش اطلاع یافته و گوشه‌ای از تاریخ و فرهنگ خویش را در آن شناخته است. گذشته از اینها، هنرها و سرگرمی‌های ویژه‌ای را می‌شناسیم که در قهوه‌خانه‌ها پا گرفته و یا حداقل در آنجا رونق و دوام یافته‌اند. گونه‌ای از نقاشی که امروزه به نقاشی قهوه‌خانه‌ای شهرت یافته است و همچنین سخنوری، نقالی، شاهنامه‌خوانی و انواع بازیهای ویژه قهوه‌خانه از آن جمله‌اند. قدر مسلم این ست که قهوه‌خانه‌های امروزی ایران نسبت به گذشته کاملاً دگرگونی یافته و بسیاری از نقش‌های خود را از دست داده و در عوض وظایف جدیدی را پذیرفته‌اند.

قهوه‌خانه در ابتدای پیدایش خود در ایران مرکز تجمع و گذران اوقات فراغت شهرنشینان و محل بحث و گفتگوهای اجتماعی، سیاسی و ادبی نویسندگان، منتقدان، شعرا، اهل هنر، ادب، روضه، مدیحه، مرثیه و غیره به‌شمار می‌رفت. (شهری، همان: ۵۰۴)

قهوه‌خانه‌ها به تدریج و در طول زمان از مرکز سرگرمی و میعادگاه شاعران، هنرمندان، اهل دل و جایگاه تفرج و تماشای اعیان و خواص به محل استراحت عامه‌خلق در مبدأ و مقصد سفر و احیاناً در طول مسیر و همچنین تجمع کارگران و پیشه‌وران و جای گفتگوهای صنعتی و مانند آن تغییر یافته است. (بهنام و راسخ، بی‌تا: ۳۹۴) در گذشته حتی سلاطین و بزرگان دربار و دیگر اعضای طبقات ممتاز جامعه علاوه بر صاحب‌دلان و ظرفا، دوستدار قهوه‌خانه بودند و مشتاقانه بدان رفت و آمد داشتند. جعفر شهری می‌نویسد: «از گرمترین و دلنشین‌ترین و مصفا‌ترین اماکن، قهوه‌خانه‌ها بودند که برای هر دسته وضع مورد علاقه خود را داشتند، علاوه بر زیب و زیورشان که سرآمد هر محل تفرج می‌آمد، از در و دیوار سقف و ستون آن که به انواع پرده‌ها و عکس‌ها و شمایل و پوست تخت و تبرزین، کشکول‌ها و حتی علم و کتل و بیدق‌ها آراسته شده بود تا صدای دلنشین پرندگان و آوازهای خوش چای‌خبرکن (جارچی) و بلبل خوانی‌های استکان‌هایشان (استکان شوها) که فضای آن را مشعوف می‌کرد و تعارف و تواضع و یکرنگی و یکدلی‌های اهل آن که انسان را مجذوب می‌نمود، همراه قلیان‌های کوزه‌گلی و کوزه‌بلور چوبی در پاشویه‌های حوض پرآبشان دلربایی و قند‌بده‌های مشکین موی گلگون رخ شیرین لب که دیده به جمالشان رونق می‌گرفت». (شهری، همان: ۴۹۵)

رفته رفته و بر اثر رونق کار، صنعت و بازرگانی در شهرهای ایران، شکل و وظایف قهوه‌خانه‌ها نیز تغییر یافت. در گذشته قهوه‌خانه‌ها معمولاً حوضی در وسط داشتند و با نقاشی‌های دیواری، تابلوها و اشیاء عتیقه آراسته بود و پرندگان خوش آواز در آن نغمه‌سرایی می‌کردند. مشتریان با آداب خاصی دور تا دور آن می‌نشستند و چشم به نقال می‌دوختند و به اشعار شاهنامه و یا حکایت و

قصه گوش می‌دادند و یا با یکدیگر درباره مشکلات و مسائل خویش به گفتگو می‌پرداختند. اکنون قهوه‌خانه به صورت مکان ساده‌ای درآمد و مشتریان آن را گروه‌هایی تشکیل می‌دهند که نه قصد گذراندن اوقات فراغت و شنیدن صدای نقّال و استفاده از انواع بازی‌ها و سرگرمی‌ها و برقراری ارتباط با دوستان و همشهریان دارند، بلکه اغلب ناگزیر به مناسبت نزدیکی آن به محل کار و کسب یا مسافرخانه و محل اقامت، برای رفع خستگی در فواصل کار و صرف صبحانه و ناهار به آن آمد و شد می‌کنند. قهوه‌خانه که روزگاری بار وسایل ارتباط جمعی چون رادیو و تلویزیون را به دوش می‌کشید، اکنون با کسب و کار درآمیخته است. در خلال این دگرگونی‌ها، هنرها و نمایش‌ها و بازی‌های قهوه‌خانه‌ای نیز رو به زوال گذارده است. چنانکه امروزه در کمتر قهوه‌خانه‌ای نقّال وجود دارد. در گذشته برخی قهوه‌خانه‌های ایران به ویژه در آذربایجان، نوازنده محلی (عاشیق) همراه با نواختن ساز خویش، داستان‌های حماسی نظیر کوراوغلی و اصلی و کرم را برای مشتریان قهوه‌خانه‌ها روایت می‌کردند. (البته هم اکنون نیز در برخی از قهوه‌خانه‌های جنوب تهران عاشیق‌ها حضور دارند.) امروزه آثار هنری با ارزشی چون نقاشی‌های دیواری قهوه‌خانه‌ای تقریباً از میان رفته است. انواع بازی‌های قهوه‌خانه‌ای مانند: ترنا بازی، گنجنه، تخم‌مرغ بازی و غیره نیز به فراموشی سپرده شده است. برخی قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌هایی هم که امروزه دایرند، از کنارشان هم نمی‌توان رد شد، چرا که عده‌ای جوان کم سن و سال در آنجا مشغول کشیدن سیگار و قلیان آن هم از نوع میوه‌ای هستند و فضای آن را بسیار مسموم کرده‌اند و از حوض و نقّال و سایر مظاهر قدیم هم هیچ اثری باقی نمانده است.

منابع:

- اولتاریوس، آدام، *سفرنامه*، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار، ۱۳۶۳.
- بهنام، جمشید و راسخ، شاپور، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران*، چاپ سوم، تهران: بی‌تا.
- شهری، جعفر، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، مجلد چهارم، تهران: رسا، ۱۳۶۹.
- نجمی، ناصر، *دارالخلافة تهران*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.